



ششم تیرماه یادآور ترور ناکام و نافرجام حضرت آیتالله‌خامنه‌ای در سال ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر تهران است. تروری که موجب شد تا امام خمینی در پیام‌شان به مناسبت این ترور از آیت‌الله‌خامنه‌ای با عناوین و تعابیر عظیم و غرورانگیزی همچون «شما که از سلالهٔ رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبههٔ جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در مساجد و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنهٔ انقلاب می‌باشید»، یاد کنند.

این حادثه موجب شدد تا معظم‌له با نجات معجزه‌وارشان به عنوان جانباز و شهید زنده و



ذخیره تیرماه یادآور ترور ناکام و نافرجام عظیم و بی‌ نظیری برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گردند. به مناسبت سالگرد این واقعه، چند نکته و روایت کمتر شنیده شده در مورد این ترور را نقل می‌نماییم.

انسان هیچ دستاویزی به جز خدا ندارد

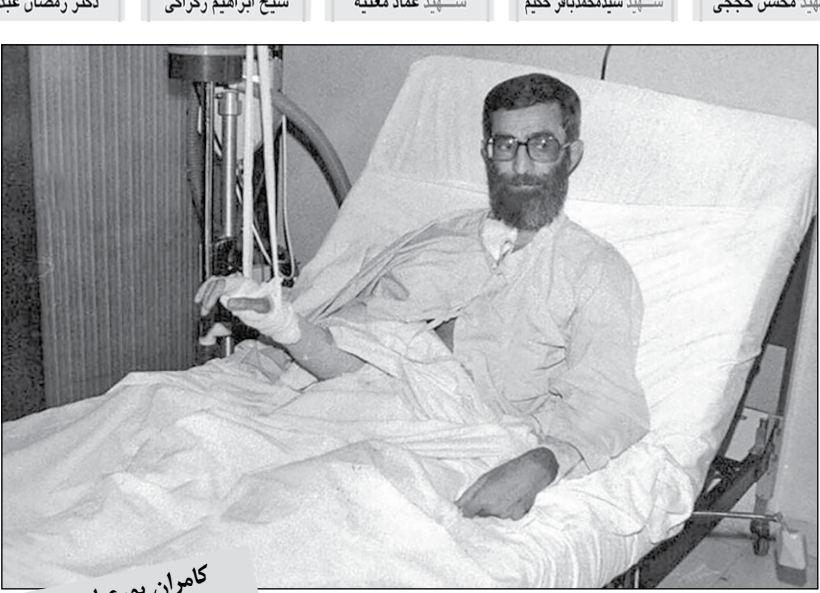
آیت‌الله‌خامنه‌ای لحظات پس از انفجار بمب در مسجد ابوذر را که در حالت بین دنیا و برزخ بوده‌اند را چنین تشریح می‌فرمایند: «از وقتی که بار اول بر زمین افتادم- که البته نفهمیدم چطور ششدم که افتادم- تا وقتی که به کلی بیهوش شدم، سه مرتبه، برای لحظاتی به هوش آمدم و هر دفعه هم یک احساسی داشتم.



آن حالات، هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود. حالا یکی را عرض می‌کنم: در یکی از حالات، احساس کردم که دارم می‌روم؛ یعنی احساس کردم که مرگ در مقابل من است. کاملاً در آن مرز عالم برزخ، خودم را دیدم و احساس کردم که در آن حال، انسان هیچ دستاویزی به جز خدا ندارد؛ هیچ دستاویزی! یعنی هر چه هم عمل پشت‌سر خودش داشته باشد، باز اگر نتواند تفضل الهی و رحمت خدا را جلب کند، خاطر جمع به آن عمل نیست. آدم شک می‌کند؛ آیا این عمل را با اخلاص به‌جا آوردم؟ آیا نیتَم صد‌صد خدایی بود؟ آیا در آن شرک و ریا نبود؟ آیا ملاحظهٔ این و آن نبود؟ به‌هر‌حال ماها مرکز عبوییم. متأسفانه، همهٔ شائبه‌ها در ما هست. آنجا انسان



مستولان تیم درمان حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای پس از ماجرای ترور، از معجزهٔ زنده ماندنِ معظم‌له می‌گویند: «جراحات بیشتر در سمت راست بدن‌شان بود. کتف و دست کاملاً آسیب دیده بود، عصب‌ها و عروق خونی کاملاً در این ناحیه از زیر بغل از بین رفته بود و دست راست اصلاً کار نمی‌کرد. به خاطر از دست دادن خون زیاد، فشارشان خیلی پایین بود و در مجموع زنده ماندن ایشان بعد از دست دادن آن همه خون، یک معجزه واقعی بود. یعنی از نظر علم پزشکی جزو معجزات است که یک نفر با این میزان جراحات و از دست دادن خون، با این سطح پایین از فشار خون و نداشتن نیض دوام بیابورد و زنده بماند.»



کامران پورعباس

ذخیره خداوند برای ملت ایران

گرفته‌ام، خیلی تشویق کرد. گفت این بچه دست تو را خوب می‌کند! وقتی از روی محبت این بچه را بغل می‌گیری، همین باعث می‌شود سنگینی‌اش از تحمل کنسی؛ همین‌طور هم شد. بغل می‌گرفتم، می‌آوردم و می‌بردم. بعد یواش‌یواش این دست قوت پیدا کرد.»

حکمت خداوند و ذخیره الهی

حجه الاسلام والمسلمین عبدالحسین مزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در آیین بزرگداشت سی وهشتمین سالگرد شهادی هفتم تیر و شهید عیسانعلی ناطق نوری از شهدای این حادثه در تیرماه ۱۳۹۸، به بیان خاطراتی از زبان حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری پرداخت و گفت: آقای ناطق نوری تعریف می‌کردند، در روزهای بعد از ترور مقام معظم رهبری در بیمارستان انقلاب، به دیدن‌شان رفتم و ایشان به من گفتند نوع حادثه و ترور به گونه‌ای بود که علی‌القاعده نباید می‌ماندم و قطعاً می‌بایست شهادت نصیب می‌شد؛ اما نمی‌دانم بنا به چه حکمتی، خداوند مرا نگه داشته است؟ وی افزود: آقای ناطق نوری می‌گفت سالها بعد و در حالی که چند ماهی از رهبری ایشان نگذشته بود، درحال قدم زدن با ایشان، گفتم

در ۱۶ دسامبر ۱۹۱۷، مجمع عمومی سازمان

ملل قطعنامه منع، توسعه، تولید و انباشت جنگ افزارهای میکروبی و سمی و لزوم نابودسازی آن‌ها را تصویب کرد.

وحشتناک سلاح‌های شیمیایی، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو منعقد گردید. این پروتکل، به ممنوعیت استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده در جنگ‌ها و روش‌های جنگ بیولوژیک اختصاص دارد. در پایان کنفرانس «تظارت بر تجصات بین‌الملل تسلیحات و مهمات» تدوین و امضا گردید. پروتکل ژنو مهم‌ترین توافقنامه بین‌المللی در مورد سلاح‌های میکروبی و شیمیایی است.

در سال ۱۹۴۸ و در چارچوب فعالیت‌های سازمان ملل درباره خلع جنگ افزار، کمیته جنگ‌افزارهای متعارف، جنگ‌افزارهایی شیمیایی را به نام جنگ‌افزارهای نابودی گروهی، در کنار



هلند و آمریکا و عواملش بودند. در واقع جنگ ایران و عراق تبدیل به میدان آزمایش انواع سلاحهای شیمیایی و میکروبی و بیولوژیک این کشورها شده بود تا تأثیرات یافته‌های جنایت وار خود را- که در بستر کشف و استفاده کیفی از «علم بمب آنها دست می‌یافتند- در معرض نمایش واقعی و حقیقی ببینند و آن کسی که باید تاوان این جنایتها و توحش‌های صیورث گرفت، پیمانی در سال ۱۹۷۲ به امضا رسید که بر پایه آن، دولت‌های امضاکنده بایدند شدند که تحت هیچ شرایطی جنگ افزارهای بیولوژیک را فرآوری و انبار نکنند و از گسترش آن خودداری ورزند. شاید باور عموم، این باشد که صدام اولین کسی است که سلاحهای شیمیایی و میکروبی را در جنگ و در سال ۵۹ به کار گرفت و با بعدها هرچا که عرصه برایش تنگ می‌شد متوسل به این حربه بی‌جانوراندرانه می‌شده؛ اما ناه آمریکا نخست آن هم در کشتار جمعی سرخوستان در سال ۱۷۶۳. آلمان در جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۱۵ ساختار شکنی کرد و در بلژیک جنگ را به سمت شیمیایی کنداند و انگلیس پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۱ از ماده فیتیوتوکسین در مالایا علیه استقلال‌طلبان استفاده کرد و صدام که با بلند پروازنهای احمقانه و به پشت گرمی همین کشورهای غربی جنگی سختی را علیه ایران تحمیل کرده بود؛ به چنان جراتی دست یافته بود که بی‌بواهمه از هرگونه واکنش سیاسی و با بین‌المللی و منطقه‌ای، دستت به استفاده از سلاحهای متعوز شیمیایی برد که عمده منبع تهیه این سلاحها برای او، همین کشورهای اروپایی از آلمان و فرانسه و انگلیس و بلژیک و گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت.

در را بیست. بی‌آنکه لباسش را عوض کند خودش را، به طنابیی که به میخ طویله بسته شده بود رساند. زین را برداشت و در چشم به هم زدنی انداخت روی اسب و افسارش را شُل کرد. با چاکبی و چالاکیی خاص، پای چپش را از سمت چپ اسب انداخت روی رکاب و پرید روی آن. بلافاصله چهار نعل، به موازات دامنه کوه به سمت خارج از روستا تاخت. بادا توان عبور از بین شال رنگی که به سرش بسته بود را نداشت. ولی! یالهای رقاص اسب که تاب و تاب‌شوه‌گرپهای باد را نداشتند؛ دستهایش را هر بار که افسار جابه جایی‌شد، نوازش می‌کردند. صدای نفسنهای اسب

را با تمام وجود می‌شنید که با هر گامش، سنگتگاهی زیر پایش را خرد می‌کرد. اضطراب نرسیدن، تپش قلب «زن!» را زیاد کرده بود و دامن گل گلی و رنگی رنگی محلی‌اش از فاصله دور، روی اسب، نقاشی برجسته‌ای بود که فقط در پس یک حادثه می‌شد آن را، روی بوم طبیعت، با قلم روزگار به تصویر کشید و برای او، آن حادثه اتفاق افتاده بود.

هنوز یک سال نشده بود که از خانه پدرش با هزار امید عروس روستای مجاور شده بود. صدایی مهیب از دور آمد و خبر را که شنید! بی‌محبا با اشک‌هایی‌به پهنای صورت حرکت کرد و در طی راه تمام سال‌های عمرش را با هر همه آن خبرهایی که شنیده است دروغ باشد. تا غروب تاخت و تاخت و تاخت… اما وقتی رسید؛ که «دشت» دیگر «سر» نداشت و بویی غریب «سر دشت» را پر کرده بود و دیگر هیچ‌کس در خانه پدرش نبود…

دستاکف فوق، تصویر عاطفی و کمی شاعرانه با الهام از یک نقاشی است که نگارنده این ستور آن را حدود چند سال قیبل در روزی که گره معنایی و مفهومی به موضوع حملات شیمیایی سر دشت و حلبچه خورده بود نگارش کرده و حالا فرصتی است که در ایام سالروز حادثه جنایت بار حمله شیمیایی صدام در هشتم تیر ۱۳۶۶ در آن نگاهی دوباره کنیم. جنایتی که درحیوحه صدور قطعنامه برای پایان جنگ، صورت گرفت. چرا که آن دیوانه سرمست از حمایت آمریکا و اروپا (صدام) به هر حربه‌ای می‌خواست امتیازات ویژه‌ای را از ایران بگیرد و برای دست یافتن به این امتیازات حتی از حمله شیمیایی به غیر نظامیان و شهرها نیز ابایی نداشت. باید دوباره به این موضوع ببیندشیم که چگونه رسانه‌های بزرگ دنیا تمام شئون و مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و… را با فشار صهیونیستها به موضوع چون هولوکاست ربط می‌دهند اما در مقابل هیچ وقت هم فرصت و اجازه تحقیق درباره آن را به کسی نمی‌دهند تا حقیقت آشکار شوده در این سو ما حتی هنوز که هنوز است نتوانسته‌ایم با وجود تمام شواهد و ادله و مستندات، ابعاد جنایت سر دشت را در دنیا آشکار و بیان کنیم. جنایتی که با فروش تسلیحات ممنوعه کشتار جمعی توسط اروپایی‌ها به صدام به وقوع پیوست.

جنگ‌ها حاکم می‌شود که گرچه نانوشته و گرچه نامعین هستند اما حکم اخلاقی و حکم انسانی به خود گرفته‌اند و نسام این‌گونه قوانین، قوانین حقوق بشری و قوانین جنگی است که در ذیل آن عناوینی مثل جنایت جنگی و یا کشتار عمومی و یا نسل کشی… ذکر شده

تبعیت از این قوانین در جنگ‌های لاقل حدود یک قسرن اخیر که متفاوت بسا جنگ‌های اعصار گذشته -به دلیل رشد صنایع نظامی- بوده است بعد از تشکیل سازمان به اصطلاح ملل و بعد از جنگ‌های جهانی که منشاء آن خود جهان غرب و بویژه اروپا بوده است به یک امر الزام آوار و تابع قانون بدل شد که تخطی از آن تبعات بین‌المللی را به همراه دارد که البته بازم، کشورهای ذی نفوذی مثل آمریکا، گرچه جنایتهای جنگی کشورهای مختلف مرتکب شده‌اند و گرچه تاریخ سیاهی در نسل کشی سرخ بوستان و برده داری سیاه بوستان را در کارنامه خود دارند؛ به رغم اینکه هنوز هم که هنوز است از استفاده غیر انسانی بمب اتم در هیروشیما و ناگازاکی عذر خواهی نکرده‌اند اما این وقاحت و بیشرمی را دارند که خود را مدعی حقوق بشر و صلح دوست بنامند.

سر دشت مظلوم سندی از جنایات و دورویی غربیها

عزیزالله محمدی(امتداجو) |

روند تصویب ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی و غیر متعارف
در گزارش‌های مختلف مطبوعاتی و جراید و همین‌طور در رسانه‌های متنوع چنین آمده است که اولین تلاش‌ها برای اعمال ممنوعیت استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک در اعلامیه‌های ۱۹۶۸ سن‌پترزبورگ، ۱۸۷۴ بروکسل و ۱۸۹۸ لاهه نمایان شد، اما هیچ کدام از آن‌ها به



تنظیم یک معاهده بین‌المللی نینجامید. در نتیجه کوشش‌های فراوان، سرانجام در سال ۱۹۰۷، یک معاهده بین‌المللی که از نظر حقوقی تعهدآور بود، تنظیم شد. اما با شروع جنگ جهانی اول، کنوانسیون۱۹۰۷ لاهه نتوانست از وقوع جنگ شیمیایی ممانعت کند.

^[1] جنگ‌ها حاکم می‌شود که گرچه نانوشته و گرچه نامعین هستند اما حکم اخلاقی و حکم انسانی به خود گرفته‌اند و نسام این‌گونه قوانین، قوانین حقوق بشری و قوانین جنگی است که در ذیل آن عناوینی مثل جنایت جنگی و یا کشتار عمومی و یا نسل کشی… ذکر شده

^[2] جنگ‌ها حاکم می‌شود که گرچه نانوشته و گرچه نامعین هستند اما حکم اخلاقی و حکم انسانی به خود گرفته‌اند و نسام این‌گونه قوانین، قوانین حقوق بشری و قوانین جنگی است که در ذیل آن عناوینی مثل جنایت جنگی و یا کشتار عمومی و یا نسل کشی… ذکر شده